

در ایران از بعد از شهریور ۱۳۲۰ برای تشویق افسران ارتش بفرآ گرفتن علم حقوق بدو مقرر گردید مبلغی درمآ بعنوان اضافه حقوق به افسران ليسانسيه حقوق نآديه شود و بعدآ اضافه حقوق مزبور بعلل بودجه حذف گردید و سپس برای تشكيل و تکميل کادر قضائي يك کلاس قضائي در دانشکده افسري تاسيس وعده نئي از افسران ارتش برای فرآ گرفتن يک دوره مختصر علم حقوق در ظرف يکسال در تحت نظر استادان و متخصصين حقوق انتخاب شدند وعده مختصري از افسران کلاس مزبور را طي نمودند و بنا بود پس از ازدياد عده اين قبيل افسران صنف جديدی در ارتش بنام صنف قضائي باعلاثم و امتيازات مخصوصه ايجاد شود ولي بعدآ بودجه کلاس قضائي منحل و از تشكيل صنف قضائي صرف نظر شد عجالئآ سوای عده معدودی از افسران ارتش که به صرافت طبع در دانشکده حقوق تحصيل نموده و باخذ دانشنامه ليسانس حقوق موفق شده اند يا فعلا مشغول تحصيل در آن دانشکده هستند و بدون هيچگونه پاداش و امتيازي نسبت به سايرين در اداره دادرسی ارتش مشغول انجام وظايف قضائي ميباشند ساير افسران بکه در مشاغل نظامي مشغول خدمت هستند اغلب فاقد تخصص و اطلاعات کافي قضائي بوده و بدین جهت دادستاني ارتش ناچار است بوسيله افسران متخصص نظارت کامل در قرارها و آراء واحکام صادره از دادگاهها و بازپرسی هانموده از انحرافات آنها از مقررات قانوني جلوگيري نمايد ضمنا رفع اين نقيصه فني و ازدياد اطلاعات قضائي افسران و ايجاد صنف قضائي مورد توجه و منظور نظر اصلاح کنندگان امور ارتشي بوده و در پيشنهاد هائي که در ضمن تکميل نظر قانون دادرسی ارتش بعمل آمده ايجاد رسته قضائي و تفويض امور مربوطه بدادسرای نظامي به افسران متخصص بيش بيني شده است

۹ - انتظامات دادرسی نظامي و نظارت بر آن

در قانون دادرسی و کيفر ارتش مصوب دی ماه ۱۳۱۸ فقط سازمان دادگاههای نظامي و صلاحيت و ترتيب انتخاب کارمندان آن ها تعيين شده ولي راجع به انتظامات امور دادرسی و تقسيم کارها بين دادگاهها و باز پرس ها و نظارتي که با رعایت استقلال قوه قضائي ارتش بایستی نسبت بمتصدیان امور قضائي نظامي برای مراقبت در انجام وظايف آن ها اعمال نمود، مقرراتي نظير آنچه که در قانون اصول تشکيلات عدليه مصوب ۱۳۲۹ تعيين شده است پيش بيني نشده

هرچند این نظارت و مراقبت از لحاظ اداری و فرماندهی ظاهراً با فرمانده نظامی ناحیه مربوطه بوده و فرماندهی ناحیه شخصاً یا بوسیله ستاد خود ممکن است بدون سلب استقلال قضائی مأمورین مربوطه و مداخله در چگونگی قضاوت آنها نظارت در تقسیم کارها و مراقبت در جلوگیری از رکود پرونده ها و سهل انگاری آنها در انجام وظائف محوله بنماید ولی آنچه اغلب عملاً اتفاق می افتد مداخله فرماندهان در امور قضائی بعلت ریاست و آمرستی که نسبت به افسران تابعه دارند بموجب اعمال نفوذ آنها در جریان دادرسی شده و دخالت آنها جلوگیری از سوء جریان امور دادرسی نموده بلکه بر آن می افزاید.

تنها موردی که در قانون دادرسی و کیفر ارتش نسبت به جریان امور دادرسی نظامی حق نظارت داده شده در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مزبور است که بدادستان ارتش در اموری که به باز پرس ها و دادستانهای دیوان حرب و سایر ضابطین نظامی رجوع میشود حق صدور تعلیمات قانونی و نظارت داده و همچنین حق بازرسی پرونده ها را دارد که در مرکز و خارج از مرکز در جریان رسیدگی است بدادستان ارتش داده شده است ولی بطوریکه عملاً هم دیده شده است این حق نظارت برای پیشرفت و حسن جریان امور دادرسی خصوصاً در قسمت های دور از مرکز کافی نمیباشد زیرا:

اولاً - دادستان ارتش که در پایتخت انجام وظیفه می نماید عملاً نمیتواند در جریان دادرسی نواحی دور از مرکز نظارت کاملی بنماید مگر پس از ختم دادرسی و احاله پرونده بمرکز که اغلب چون پس از ختم رسیدگی بوده و از موقع جلوگیری از سوء جریان گذشته است تأثیر مهمی ندارد

ثانیاً نظارتی که دادگاههای عالی نیز بنا بر سلسله مراتب نسبت به دادگاههای زیر دست خود دارند و در قانون اصول تشکیلات عدلیه پیش بینی شده در قانون دادرسی ارتش نیست و این حق نظارت را نسبت بدادگاهها عقلاً و منطقاً نمیتوان بدادستان ارتش که یکی از اصحاب دعوی است داد بنا بر این بر فرض که دادستان ارتش در مراحل اولیه دادرسی تا صدور کیفرخواست نظارت و مراقبت کامل در حسن جریان امور بنماید پس از احاله پرونده بدادگاه نمیتواند در جریان رسیدگی در دادگاه نظارتی داشته باشد